

آسمان بر ما جفا نکرده است



پنجمین نشست از سلسله نشست های «باید درباره آب گفت و گو کنیم» در ۱۵ اردیبهشت سال جاری با عنوان «نقش باورها، ارزش ها و سرمایه های اجتماعی در حکمرانی آب» در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. در این نشست دکتر محسن رنانی، استاد گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان دیدگاه های خود را مطرح کرد. رنانی در این سخنران، نکاتی را بیان کرد که پس از مدتی بخش هایی از آن به طور گسترده در شبکه های اجتماعی به گردش درآمد. با توجه به استقبالی که از سخنان ایشان شده است، تصمیم گرفتیم، بخش های برگزیده سخنان یاد شده را منتشر کنیم. بر این اساس چکیده نسبتاً تفصیلی از سخنان دکتر رنانی استخراج شد که پس از تایید ایشان جهت اطلاع علاقه مندان در این جا منتشر می کنیم.

زندگیات خوب نبوده است، باید سبک زندگی و الگوی تغذیه و رژیم غذاییات را تغییر بدهی. پزشکی که در شرایط بحرانی و خونریزی بیاید و بسا بیمارش درباره تغییر الگوی تغذیه او حرف بزند، پزشک متوهمی است. او الان باید جلوی خونریزی را بگیرد و نگذارد که بیمار به کما برود.

در واقع در مورد آب ما چنین وضعی داریم. ما در معرض این هستیم که در کمتر از پنج سال آینده بحران های آب چنان جدی شود که بروز جنگ آب در کشور را به واقعیت نزدیک کند. در چنین شرایطی سخن از اصلاح فرهنگ اشتباه است. مگر مصرف آب شرب شهری ما چقدر است؟ اگر راست باشد که ۹۲ درصد آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی مصرف می شود و ۲ درصد در بخش صنعت و ۶ درصد در بخش شرب، حالا اگر مردم ۵۰ درصد مصرفشان را هم کم کنند، یعنی آن ۶ درصد مصرف شرب می شود ۳ درصد. یعنی در کل آب مصرفی کشور، فقط ۳ درصد صرفه جویی می شود در حالی که ما امروز نیازمند یک صرفه جویی ۲۰ تا ۳۰ درصدی هستیم که بتوانیم روند تخریب کنونی منابع آب و محیط زیست را متوقف کنیم.

بنابراین سیاست های یک حکمرانی غلط ما را به اینجا رسانده است و الان همین حکمرانی غلط است که متهم اصلی است و باید اصلاحات را از خودش شروع بکند. اگر به چهار سطحی که ویلیامسون برای تحلیل نهادی پدیده های اجتماعی و اقتصادی پیشنهاد کرده است نگاه کنیم، کمک می کند که ما متوجه شویم

حفاظت از آب توانسته اند شبکه فنانی در زیر خاک این کشور بسازند که طول آن از فاصله بین زمین و ماه بیشتر است، می توان متهم کرد که آب را نمی شناسند و فرهنگ مصرف از آب را بلد نیستند؟

آمارها و نمودارها نشان می دهد که متوسط کاهش بارش در این ۳۰ ساله بسیار ناچیز بوده است. ممکن است که یک سال کم و یک سال زیاد بوده باشد ولی متوسط بارش کاهش ناچیزی داشته است. یعنی به رغم این همه تحولات اقلیمی، هنوز آسمان هم جفا بر ما نکرده است. پس مشکل کار نه آسمان بوده است نه زمین نه مردم، مشکل ما یک نظام تدبیر ناتوان و یک حکمرانی ناکارآمد و نابخردانه در حوزه آب بوده است که تنها در مدت زمان کوتاهی تمام تدبیر سه هزار ساله مردم ایران و تمام فرهنگ تاریخی صرفه جویانه مردم ایران را بر باد داده است. حالا ما با چه توجیهی انگشت اتهام را به سوی مردم ایران نشانه می رویم؟ همان کسانی که متهم اصلی در این بحران هستند، امروز مدعی شده اند و طوری برخورد می کنند که گویی جامعه متهم است. جامعه ما قربانی مدیریت غلط در نظام تدبیر شده است، حقوق مردمان ما در حوزه آب قربانی بدهستان های سیاسی و بلندپروازی های سیاستمداران توده گرا (پوپولیست) شد. بنابراین من با عنوان این نشست مشکل دارم. آری، بحث فرهنگ مهم است و باید آن را جدی بگیریم ولی داستان این است که ما الان یک بیماری داریم که خونریزی دارد و تا یک ساعت دیگر تشنج می کند و به زودی به اغما می رود. حالا آمده ایم به این بیمار می گوئیم تو سبک

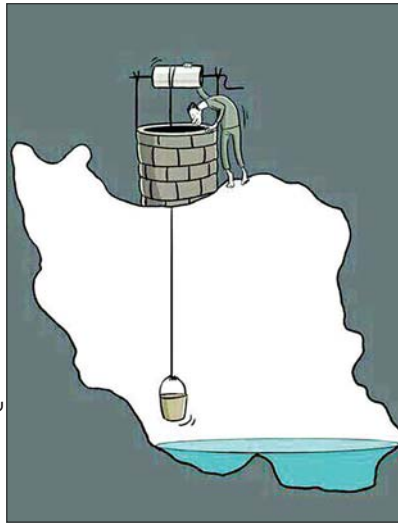
من در بین دانش آموختگان اقتصاد جزو نهادگراها محسوب می شوم یعنی کسانی که معتقدند اقتصاد را تنها نمی شود با پول مدیریت کرد. تحلیل اقتصاد را باید با برخی دیدگاه های فرهنگی و اجتماعی همراه کرد و ویژگی های فرهنگی و اجتماعی رفتار اقتصادی مردم را دید و سیاست گذاری کرد. بنابراین همواره مشوق کاربست نگاهها و واژگان فرهنگی و اجتماعی در اقتصاد بوده ام. اما در این مورد خاص با عنوان کلی ای که برای این نشست ها گذاشته شده یعنی «آب، فرهنگ و جامعه» مشکل دارم. یعنی معتقدم این عنوان نوعی نعل وارونه زدن و متهم کردن مردم، جامعه و فرهنگ ایران در قضیه بحران آب است. در حالی که چنین نیست. یعنی ما اکنون داریم مردمی که خودشان قربانی سیاست های غلط حکومت در حوزه آب بوده اند را در معرض اتهام قرار می دهیم؛ گویی در قضیه بحران آب، این مردم اند که متهم اند و حالا از مردم می خواهیم که فرهنگ و الگوی مصرفشان را اصلاح کنند.

اگر هم الگوی مصرف مردم در حوزه آب، خراب است، این حکمرانی غلط و سیاست گذاری های آرمانی و غیر عقلانی مدیران بوده است که آن را خرابش کرده است. آخر مگر نه اینکه این مردم سه هزار سال بود با مساله کم آبی در این ملک آشنا بوده اند و توانسته اند در یک اقلیم خشک و کم آب زیست کنند و به یک تعادل پایدار در ارتباط با طبیعت دست پیدا کنند. مگر نظام قنات یکی از شاهکارهای مردم ایران در حوزه فناوری آب نبوده است؟ آیا مردمی را که برای صرفه جویی و

اکنون در بحران آب باید سراغ چه مسائلی برویم. سطح نخست، سطح بنیادی و پایداری است که نهادهای غیررسمی، فرهنگ‌ها، سنت‌ها و هنجارها در آن قرار می‌گیرند. تحول پدیده‌هایی که مربوط به این سطح هستند گاهی بین صد تا هزار سال طول می‌کشد. بنابراین سیاست‌گذاری برای سطح خیلی نتیجه بخش و پاس‌خگو نیست. سطح دوم سطح محیط نهادی است. قواعد رسمی بازی اجتماعی شامل قواعد حقوق مالکیت، دیوان‌سالاری مرتبط با حقوق مردم و دستگاه قضایی در این سطح قرار دارند. اصلاح این سطح بین ۱۰ تا ۱۰۰ سال طول می‌کشد. سطح سوم سطح حکمرانی یا همان تدبیر شایسته امور است. رویه‌های اجرایی، شیوه‌های اقدام، شیوه‌های عملی بازی اجتماعی، روش‌های اجرایی، قراردادهای رویه‌های بالفعل حکمرانی در سطح سوم قرار دارند. سطح چهارم تخصیص منابع است، یعنی سیاست‌گذاری برای تخصیص منابع و قیمت‌گذاری و نحوه اشتغال منابع طبیعی و اقتصادی و اجتماعی در سطح چهارم قرار می‌گیرد. مثلاً اینکه به چه فعالیت‌هایی وام بدهیم، از چه فعالیت‌هایی مالیات بگیریم، به چه مواردی یارانه بدهیم و نظایر اینها. تمام مشکل ما در تخریب منابع طبیعی خودمان و در نابودی ذخایر آبی خودمان به این دو سطح آخر برمی‌گردد که ناشی از سیاست‌ها و برنامه‌ها و رویه‌هایی است که در این مدت اتخاذ شده‌اند.

بنابراین حتی اگر فرهنگ مصرفی مردم هم تخریب شده است یا از اول بد بوده، الان ما نمی‌توانیم یک‌مرتبه برگردیم به سطح اول تحلیل و بگوییم اول ما باید فرهنگ مصرف را اصلاح کنیم. چنین تحولاتی اگر نگوئیم صد سال، دستکم چند نسل خواهد تا رخ دهد. فرهنگ پدیده‌ای است که به صورت بین نسلی تحول پیدا می‌کند و حالا ما نمی‌توانیم صبر کنیم تا چنین تحولاتی رخ دهد، ما از همین امروز باید در سیاست‌ها و برنامه‌های روش‌های حکمرانی خودمان در حوزه آب بازنگری کنیم. تخریب‌های وارد شده به منابع و ذخایر آب در کشور ما ناشی از اقدامات و برنامه‌ها و سیاست‌هایی بوده که در دو سطح نهادی سوم و چهارم رخ داده و ما باید اصلاحات خودمان را هم از همین دو سطح شروع کنیم پس اول باید سطوح نهادی که تخریب از آن جا شروع شده است، اصلاح بشود و بعد به جامعه بگوییم لطفاً سطوح زیرین تر یعنی فرهنگ و هنجارها را هم اصلاح کنید. بنابراین فرصتی نداریم، سال‌ها یک حکمرانی غلط در حوزه آب اعمال شده است و تخریب کرده است و حالا باید اول و به سرعت آن روند متوقف بشود.

آنگاه وقتی که مردم ببینند که حکمرانان دارند سیاست‌های غلط را متوقف می‌کنند، در این صورت آنها هم همکاری می‌کنند. در حالی که امروز کسانی که خودشان در ایجاد چنین شرایطی متهم اولند، مدعی



طرح از ظاهر سطحی

حتی اگر فرهنگ مصرفی مردم هم تخریب شده است یا از اول بد بوده، الان ما نمی‌توانیم یک‌مرتبه برگردیم به سطح اول تحلیل و بگوییم اول ما باید فرهنگ مصرف را اصلاح کنیم. چنین تحولاتی اگر نگوئیم صد سال، دستکم چند نسل خواهد تا رخ دهد. فرهنگ پدیده‌ای است که به صورت بین نسلی تحول پیدا می‌کند و حالا ما نمی‌توانیم صبر کنیم تا چنین تحولاتی رخ دهد.

شده‌اند؛ یعنی دقیقاً همان‌ها که دچار جنون سدسازی شده بودند، همان‌ها که برای بده بستن‌های سیاسی مدیریت آب را از یک مدیریت متمرکز منطقه‌ای که مبتنی بر حوزه آبریز بود به یک مدیریت استانی خودمختار تبدیل کردند، حالا مدعی شده‌اند و به مردم می‌گویند که خودتان را اصلاح کنید.

منظورم از حکمرانی، شیوه‌ها و سازوکارهایی است که در سطح سوم نهادی انجام می‌دهیم و به غلط و درست بودن قانون و نهادها هم کاری نداریم. تازه الان هم حکمرانی، شیوه غلط دیگری را دارد دنبال می‌کند و آن لاپوشانی مساله بحران آب است. یعنی هنوز نظام تدبیر و حاکمان و سیاستگذاران نپذیرفته‌اند که ما در آستانه بحرانیم و ما در آستانه سقوطیم و نپذیرفته‌اند که بحران آب از بحث انرژی اتمی، از جنگ سوریه و یمن هم برای ما خیلی جدی‌تر است.

یعنی این نظام حکمرانی اگر نقطه ضربه‌خوری داشته باشد، چشم‌اسفندیاری داشته باشد در مساله آب است. امروز صحنه نبرد، در مساله آب در حال شکل‌گیری است. من یک زمانی فکر می‌کردم که یک روزی در

کشور وارد جنگ مذهبی خواهیم شد و روزی همان مسائلی که در بین شعبه‌های اسلامی در کشورهای دیگر ایجاد شده است در کشور ما هم ایجاد می‌شود. اما امروز معتقدم پیش از آن جنگ، جنگ آب آغاز می‌شود. تعارض‌های محلی، استانی و منطقه‌ای در حوزه آب از هم‌اکنون شروع شده است.

متأسفانه گفت‌وگو هم در این حوزه مختل است؛ یعنی مقامات هم از شکل‌گیری یک گفت‌وگوی ملی جدی در مورد بحران آب و مسائل آب پرهیز می‌کنند و این باعث شده است که جامعه مدنی هم نتواند گفت‌وگویی راه بیندازد. من مدت زیادی است که می‌کوشم که بین استان‌های اصفهان و چهارمحال و خوزستان یک جلسه گفت‌وگو بین کارشناسان سه استان برای صحبت درباره مسائل مشترک آب بگذارم. اما کارشناسان استانی حاضر به مشارکت نمی‌شوند. من نگران این هستم که سکوت مقامات موثر کشور در مساله آب موجب لاپوشانی بحران آب و به تعویق افتادن تصمیماتی شود که از هم‌اکنون باید گرفته شوند.

بنابراین به نظر می‌رسد که اولین ضرورت ما و اولین نیاز ما این است که نظام حکمرانی متوجه بحران باشد چون کسی که می‌داند بحران در پیش است و بهمن دارد فرو می‌ریزد، فریاد می‌زند. در جلسه‌ای از من پرسیده شد که مهم‌ترین بحرانی که با آن روبه‌رو هستیم چیست؟ گفتم مهم‌ترین بحران ما این است که مقامات ما نمی‌دانند که ما در بحرانییم.

طوری دارند مدیریت و حکمرانی می‌کنند که انگار همه چیز در امن و امان است. در واقع گویی مقامات ما خیلی با مردم رودربایستی دارند و شیوه حکمرانی با رودربایستی شیوه خیلی پرهزینه‌ای است.

حاکمان ما در حوزه‌های سیاسی معمولاً بسیار قاطع عمل می‌کنند اما این سیستم در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی بسیار با ملاحظه و گاهی ترسان عمل می‌کند. خیلی مراعات می‌کند. خیلی در حوزه‌های اجتماعی با مردم رودربایستی می‌کند و دست به عصا راه می‌رود. الان چند ماه است که می‌خواهند یارانه ده میلیون پولدار را حذف بکنند، جرأت نمی‌کنند. وزارت اقتصاد اجازه می‌دهد به دبیرخانه هدفمندسازی، دبیرخانه اجازه می‌دهد به وزارت تعاون، وزارت تعاون هم می‌گوید نمی‌توانم و این وظیفه را به کس دیگری بدهید. جرأت نمی‌کنند که یارانه را از این ۱۰ میلیون نفر بگیرند.

حاکمان در حکمرانی اگر رودربایستی داشته باشند آنچنان تعلل می‌کنند که بحران عمیق می‌شود یک جاهایی باید واقعیات گفته بشود، مردم آگاه بشوند و از آنها معذرت‌خواهی بشود و برای همکاری و بهبود وضعیت از مردم کمک خواسته شود. یک پروپولیسیم افراطی در سیاستمداران حاکم است که همه می‌خواهند مردم تشویقشان بکنند و برایشان هورا بکشند.

در حالی که باید بگذاریم که گفت‌وگو با دید نقد شکل

بگیرد تا مانع شود که بحران‌ها تعمیق شود. حکمرانی با رودر بایستی، بازی با منافع ملی است. با امنیت ملی و منافع ملی و سرنوشت نسل‌ها که نمی‌شود بازی کرد. همان خط‌هایی که در حوزه‌های دیگر مرتکب شدیم و راه را بر نقد بستیم و آنچنان پیش رفتیم تا به نقطه بحران رسیدیم همان مسیر را در مساله بحران آب هم داریم می‌رویم. دقت کنید هنوز هم صحبت از جمعیت ۱۵۰ میلیونی می‌شنویم در حالی که در سیاست‌های سند چشم‌انداز بیست ساله تصریح شده است که سیاست کاهش جمعیت در حوزه‌هایی که با کمبود آب روبه‌رو هستند باید دنبال شود. خب ما مگر در کدام حوزه با کمبود آب روبه‌رو نیستیم؟ امسال مازندران هم اعلام کرده است که با کمبود آب روبه‌روست.

از آن طرف سیاست‌های کلی می‌گوید تقلیل جمعیت در مناطق کم‌آب و از آن طرف سیاست‌های تشویق رشد جمعیت را داریم پیگیری می‌کنیم. خب این تضاد در هدفگذاری باید به بحث گذاشته شود و نقد شود و گرنه منابع خود را در مسیرهای متضاد صرف می‌کنیم تا این که به بحران برسیم و خیلی امتیازها بدهیم. داستان پیدا کردن مقصر نیست، داستان هشدار است. هیچ راهی نیست جز اینکه ما بیاییم با مردم صادقانه گفت‌وگو کنیم و بحران‌های در پیش رو را برای آنها برشماریم و از آنها برای حل این بحران‌ها کمک و مشارکت بخواهیم. هرگونه طرح درمانی نیاز به آسیب‌شناسی دارد. درمان

با آسیب‌شناسی شروع می‌شود. در حوزه آب بگذارید تا آسیب‌شناسی کنیم، نمی‌خواهیم کسی را محاکمه کنیم. از دل آسیب‌شناسی آرام آرام طرح‌های درمانی نیز بیرون می‌آید. مثلاً هنوز که هنوز است همه در ایران فکر می‌کنند که آبیاری بارانی بسیار خوب است و باید به دنبالش برویم.

یکی از سیاست‌هایی که خسارت‌های جبران‌ناپذیری به ذخایر آب ما زده است آبیاری بارانی بوده است که دستکم باید در مناطقی از کشور متوقف بشود. آبیاری بارانی به دلیل اینکه تغذیه منابع آبخوان را متوقف می‌کند و سه نوع تبخیر را هم با خود دارد بسیار خسارت‌بار بوده است. آبیاری بارانی سه تبخیر دارد؛ تبخیر در فضا، تبخیر روی برگ، تبخیر روی خاک. و تبخیر این نوع آبیاری سه برابر آبیاری غرقابی است. در آبیاری غرقابی شما آبخوان را تغذیه می‌کنید. این آبخوان در چاه بعدی می‌رود و مزرعه به مزرعه این روند ادامه دارد و آبخوان‌ها پلکانی تغذیه می‌شوند. در آبیاری بارانی تغذیه آبخوان‌ها را نداریم و فقط آن‌ها را تخلیه می‌کنیم. در آبیاری بارانی کشاورز سطح زیر کشت را بالا می‌برد. ما باید مجوز کشاورزی بارانی می‌دادیم ولی به شرط اینکه سطح زیر کشت را بالا نبرند. این یکی از سیاست‌های غلطی بود که همچنان هم دارد تشویق می‌شود. من به طور کلی نفی نمی‌کنم بلکه می‌گویم

آبیاری بارانی باید تحت شرایط خاص و در مناطق خاص ترویج شود. یا به عنوان نمونه دیگر ما هنوز داریم گندم را خرید تضمینی می‌کنیم در حالی که ما باید از سال‌ها پیش کشت گندم را در مناطق مرکزی کشور و در شرق زاگرس ممنوع می‌کردیم. گندم را ما با چند برابر هزینه جهانی آن تولید می‌کنیم.

چون هزینه یارانه عظیم برق و ارزش آبی که صرف آن می‌شود را در ایران محاسبه نمی‌کنیم. بنابراین اگر برای کشاورز ما می‌صرفد که گندم بکارد چون برق ارزان استفاده می‌کند و پول آب هم نمی‌دهد. خوب این سیاست غلط را چه کسی در کشور دارد دنبال می‌کند؟ بنابراین ما باید چیدمان سیاست‌ها و اولویت‌های ملی‌مان را به طور جدی اصلاح کنیم. هم در حوزه آب و کشاورزی و هم در حوزه‌های دیگر. اما در حوزه آب دارد دیر می‌شود و باید سریع اقدام کنیم.

بهترین نقطه شروع هم در انداختن گفت‌وگوی فراگیر ملی در مورد مساله است. وقتی مردم خودشان در گفت‌وگو مشارکت کنند و به عمق بحران پی ببرند خودشان هم در حل مساله مشارکت می‌کنند و حاکمان راحت‌تر می‌توانند تصمیمات جدی بگیرند. در مورد آب هیچ راهی نیست مگر این که حکومت یک گفت‌وگوی جدی با مردم را آغاز کند و اجازه دهد یک گفت‌وگوی ملی شکل بگیرد تا ابعاد بحران برای خود مردم روشن شود و بعد کم‌کم به سمت راه‌حل‌های اصلاحی برویم.

